

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقری
فرستنده: محمود شاداب
۱۰ جولای ۲۰۱۸

[دلم آئینه روی تو بود]

یادِ روزی که دلم آئینه روی تو بود سجدۀ بندگیم در خَم ابروی تو بود
کوکوی فاختگان این سخنم داد به یاد که نمود چمن از قامتِ دلجوی تو بود
گشت روشن که جنونتازی مجنون حزین در بیابان به سراغ رم آهوی تو بود
دلبران بُود به دامِ سر زلفِ تو اسیر نافۀ مشکِ خُتن شمه ای از بوی تو بود
چه اثرها که به دوران تو نامد به ظهور سرمۀ خوش نگهان خاک سر کوی تو بود
بُود آئینه عِرفان بُتِ من جبهۀ تو رهبرِ حُسنِ حقیقت به خدا روی تو بود
نرسد تا به سراپای لطیفِ تو گزند دلِ من مَجره گردانِ شبِ طوی تو بود
عشقری غم مخور از حرف بد اندیش که دوش یار تا پایۀ آخر به خدا سوی تو بود